

تبادل نظام بین‌المللی را مختل می‌کنند و معمولاً جنگ‌ها در شرایطی به وقوع می‌پیوندند که رهبران و حکومت‌ها از تعادل موجود ناراضی هستند و از این رو می‌کوشند موقعیت خویش را به هر قیمتی براساس حفظ امنیت، قدرت و یا اعتبار حفظ کنند.

به هر حال وضعیت نامشخص و نامعلوم، نیز احساس عدم امنیت و بالاخره فقدان یک مرجع عالی از جمله عوامل تعیین‌کننده رفتار اکثر دولت‌ها به شمار می‌روند، و این امر پژوهشگران را بر آن می‌دارد تا روابط بین‌الملل را نه تنها در چهارچوب رفتارهای فردی دولت‌ها بلکه با توجه به کیفیت واکنش‌ها و کنش‌های متقابل کل نظام که طی آن رفتار همه دولت‌ها را تحت تأثیر واقع می‌شود، بررسی نمایند.

یکی از دانشمندان سیاست بین‌الملل (مورتون کاپلان) شش نوع نظام بین‌الملل را از یکدیگر متمایز ساخته است که عبارتند از:

- ۱- نظام موازنه قدرت
- ۲- نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر
- ۳- نظام دو قطبی انعطاف‌ناپذیر
- ۴- نظام جهانی
- ۵- نظام سلسله مراتبی
- ۶- نظام با حق و تو

کاپلان ویژگی‌های هر یک از نظام‌های مزبور، نظیر قوانین حاکم و بازیگران شرکت‌کننده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی بر این نظر است که چهار نظام از نظام‌های مزبور عملاً وجود ندارند و از دو نظام دیگر، یعنی موازنه قدرت و نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر، می‌توان با بهره‌گیری از شواهد تاریخی نمونه‌هایی را ذکر کرد:

نمونه کلاسیک نظام موازنه قدرت، در اروپای قرن‌های هجدهم و نوزدهم وجود داشت. قدرت‌های اروپایی آن زمان سعی کردند با اتخاذ سیاست‌هایی، چنین توازنی را میان دولت‌های بزرگ نظام حفظ کنند. این امر در نتیجه اعتماد به نوعی سیستم اتحاد انعطاف‌پذیر تحقق می‌پذیرفت. در این روند از طریق حفظ گروهی از دولت‌ها که دارای قدرت نسبتاً مساوی بودند،

که نظام بین‌المللی با هویت دو قطبی، به گونه‌ای که شاهد آن بودیم شکل گیرد.

براساس تجزیه و تحلیل کاپلان، یکی از ویژگی‌های نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر، وجود دو بازیگر عمده بلوک، یعنی دو ابرقدرت، می‌باشند. در نظام مزبور دو بلوک مشاهده می‌شوند که رهبری هر یک از دو بلوک را یکی از ابرقدرت‌ها بر عهده دارد. از نظر وی اگر دو بلوک به صورت سلسله مراتبی اداره نشوند، امکان دارد به صورت نظام موازنه قدرت تغییر شکل دهد، با این تفاوت که دگرگونی در شکل اتحادها، در پیرامون دو محور ثابت ابرقدرت‌ها خواهد بود. اما اگر دو قدرت مزبور بر سر مسائلی رودرروی یکدیگر فرار گیرند، وجود سلاح‌های هسته‌ای آنها را از خطر شرکت در یک جنگ واقعی باز خواهد داشت. به هر حال خشونت به صورت پراکنده در نظام مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به حضور آمریکا در ویتنام، و شوروی در افغانستان اشاره کرد. البته، روشن است که چنین خشونت محدود و کنترل شده‌ای خود نظام را تهدید نمی‌کند. بدین ترتیب در حالی که خشونت جزء جدا نشدنی نظام محسوب می‌شود ولی نباید فراموش کرد آن خود نیز نظام را مهار و کنترل می‌کند.

خشونت‌ها و جنگ‌های عمده به حداقل ممکن کاهش یافت و اتحادهای موجود از پیوستن هر دولت یا گروهی از دولت‌ها به گروه دیگر که باعث برهم‌خوردن توازن می‌شد، جلوگیری به عمل می‌آورد.

نظام‌های ملی که عناصر تشکیل‌دهنده سیستم موازنه قدرت به شمار می‌رفتند، خواهان حفظ و حتی افزایش توانایی‌های خویش بودند و تمایل داشتند، مذاکره و گفتگو را جانشین جنگ کنند. گرچه خشونت یکی از ویژگی‌های سیستم مزبور محسوب می‌شد، نظام‌های ملی برای جلوگیری از حذف شدن در عرصه نظام بین‌المللی، مساعی لازم را برای متوقف ساختن جنگ به عمل می‌آوردند. در چهارچوب سیستم مزبور به نظام‌های ملی شکست خورده به عنوان بازیگران طرف‌های اتحاد، اجازه بازگشت به سیستم داده می‌شد. کوتاه سخن، عملکرد چنین نظامی نشان داد که نظام مزبور می‌تواند باعث ایجاد ثبات و آرامش نسبی شود.

به زعم کاپلان، نظام دیگری که نمونه تاریخی آن وجود داشته است، نظام دو قطبی انعطاف‌پذیر است. این نظام، در نتیجه دگرگونی در فرآیند توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. در پایان جنگ جهانی دوم، در حقیقت فقط دو دولت توانستند کمر راست کنند و به صورت قدرت بزرگ درآیند. به سبب زیان‌های سهمگین ناشی از جنگ و نیز افول عصر استعمار، قدرت‌های سابق استعماری اروپا نظیر آلمان، فرانسه، بریتانیا دیگر توانایی مقابله با قدرت آمریکا و شوروی را نداشتند. هر یک از دو ابرقدرت آمریکا و شوروی کوشید، حوزه نفوذ خود را گسترش دهد. تفاوت در ایدئولوژی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی سبب شد

فلسفه سیاسی

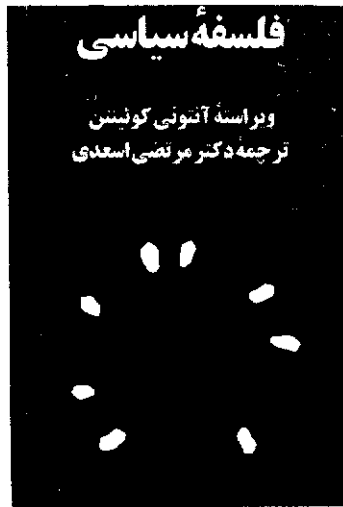
ویراستار: آنتونی کوئینتن
مترجم: دکتر مرتضی اسعدی
ناشر: انتشارات به‌آور، ۱۳۷۴

آنتونی کوئینتن در مقدمه مفصل کتاب می‌نویسد: «آسانترین و غیر بحث‌انگیزترین راه تعریف فلسفه سیاسی آن است که بگوییم فلسفه سیاسی همان چیزی است که موضوع مشترک یک سلسله کتاب‌های

مشهور مثل جمهوریت افلاطون، سیاست ارسطو، شهریار ماکیاول، لویاتان هابز، رساله‌هایی درباره حکومت مدنی لاک، قرارداد اجتماعی روسو، فلسفه حق هگل، مانیفست کمونیست، [رساله در باب آزادی استوارت میل است]. (ص ۱۱) در ادامه می‌نویسد: «امروزه فلسفه در میان همه فعالیت‌های فکری بشر جای نسبتاً مشخصی یافته است. اجمالاً پذیرفته شده است که ارتباط فلسفه با سایر شیوه‌های اندیشه، با رابطه‌ای که روش‌های فکری دیگر نسبت به هم دارند، خیلی فرق دارد.» (ص ۱۲)

همین دو عبارت تا حدی بیان‌کننده اهمیت و نسبت بنیادی فلسفه با سیاست است. از آغاز تفکر عقلانی بشر، مهمترین نظریات و اندیشه‌های سیاسی توسط فلاسفه اظهار شده و اندیشه‌های سیاسی به مثابه ثمره‌ای از شجره معرفت فلسفی تلقی شده است. تا اینجا چندان جای نزاع و جدال نیست ولی عبارات بعدی کوئینتن محل نزاع بین فلاسفه است و موضع فلسفی خاص وی اظهار شده است: «این عناوین به هر حال یک گرایش عمده و متداوم در تاریخ تفکر غرب، یعنی سنت گسترده تفکر جامع درباره سیاست را باز می‌نمایند، ... آنچه موضوع را تغییر داده است، رشد معتناهی است که در خودآگاهی روش شناسانه فلاسفه متأخر حاصل شده و سبب گردیده تا آنان از اختیارات و مآلاً مسئولیت‌های خود تصور محدودتری بیابند... فلسفه مشغله‌ای ذهنی و نقادانه است که بیشتر به خود روش‌های فکری دیگر نظر دارد تا به واقعیتی که موضوع تحقیق آنهاست... وظیفه فلسفه عبارت است از طبقه‌بندی و تحلیل اصطلاحات و احکام و براهین نظامات فکری دست اول و قائم بالذات.» (ص ۱۱ و ۱۲)

با مبانی فلسفه تحلیلی و گرایش فلسفه علم است که نویسنده چنین نقشی برای فلسفه در قبال سایر علوم قائل است. لذا در ادامه می‌نویسد: «آثار مزبور [در فلسفه سیاست] اگر چه عموماً بسیار مهم و قابل توجه‌اند، اما جز تا حدود اندکی نمی‌توان



آنها را کار فلسفی به معنی دقیق کلمه به حساب آورد.» (ص ۱۲)

به نظر نویسنده این آثار شامل دو نوع عنصر غیر فلسفی یکی عناصر علم سیاست و دیگری عناصر ایدئولوژی است و لذا با گذشت زمان این روش دیگر مورد تقلید و تاسی قرار نگرفته است: «این آثار بنا بر معیارهایی که امروز معمولند، خیلی بیشتر از آن کلی بوده‌اند که بشود آنها را اثری در زمینه فلسفه سیاسی، به معنای دقیق کلمه به حساب آورد و این جنبه بیش از حد کلی‌یافته این آثار در سال‌های اخیر دیگر چندان مورد تقلید و تاسی نبوده است.» (ص ۱۳) «بررسی‌های تاریخ اندیشه سیاسی یا با آثار مارکس و میل در اواسط قرن نوزدهم به پایان آمده‌اند و یا آنکه آثار مدافعه‌آمیزی که در سال‌های اخیر درباره عمده‌ترین جنبش‌های ایدئولوژیک انتشار یافته، و اندیشه‌های بسیار متعهدانه‌تر و بلیغ‌تر و عملی‌تر رهبران سیاسی که می‌دانسته‌اند چه می‌گویند، بساط آن را برچیده است.» (ص ۱۴) در ادامه به عنوان نمونه از راسل نامبرده می‌شود و می‌نویسد: «[در راسل] در واقع وسیعاً پذیرفته شده است که جدای از مشغله سلبی افشای خطاهای مفهومی و سوء تعبیرهای روش شناسانه کسانی که به نحوی بسیار کلی به مسائل سیاسی پرداخته‌اند، موضوعی به عنوان فلسفه سیاسی وجود ندارد.» (ص ۱۴)

عبارات اخیر، مواضع فلسفی و نگرش آنتونی کوئینتن و سایر نویسندگان فصول دهگانه کتاب را روشن می‌نماید. انتظار غیر معقولی از مترجم فاضل نبود که در مقدمه‌ای به این مسئله اشاره می‌کردند و با توجه به اینکه به گفته خودشان این اثر از اولین آثار است که در فلسفه سیاست در کشور ما منتشر می‌شود، درباره تعلق خاطر نویسندگان کتاب به حوزه فلسفی خاص توضیح می‌دادند و در مقابل به سایر حوزه‌های فلسفه سیاسی هم اشاره می‌نمودند.

ارتباط بنیادی فلسفه و سیاست در فرهنگ اروپایی از مسلمات است و در مملکت ما اقبال به این مقوله هر چند دیر صورت گرفته ولی از پدیده‌های میمون چند سال اخیر است که سعی می‌شود اندیشه‌های سیاسی با نظر به مبانی فلسفی و حکمی آنها مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بررسی حکیمانه سیاست و حکومت مقدم بر هر مطالعه و انتخاب و اجتهادی در قلمرو سیاست است. به خصوص که عمده آراء و اندیشه‌های سیاسی ریشه در فرهنگ غرب دارد.

از دوستان سال قبل به این سو در کشور ما نیز اندیشه‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفته و جریانات و جمعیت‌های مختلفی هم بر اساس آنها پدید آمده است. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در کتاب فلسفه سیاست مورد بحث دقیق و تحلیل قرار گرفته، سال‌هاست که تحصیلکردگان کشور ما تکرار شده ولی کمتر به مطالعه جدی و اساسی آنها پرداخته شده است. واژه‌هایی چون قانون، حق طبیعی، حاکمیت، مصلحت عمومی، آزادی و برابری، عدالت و مانند اینها، اگر از ابتدای برخورد با مفاهیم، ژرف اندیشی وجود داشت و به مبانی فلسفی اندیشه‌های سیاسی توجه می‌شد و به نقد و چرا و تطبیق و مقایسه می‌پرداختند، بر ما غیر از این رفته بود.

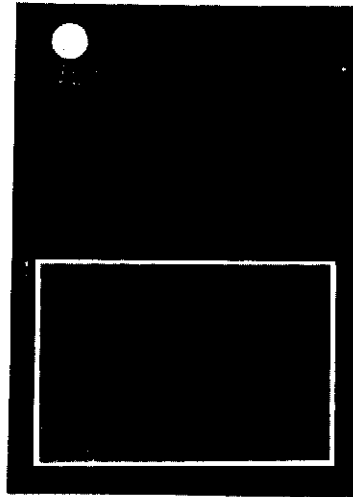
اکنون که در تحصیلکردگان و اهل فرهنگ این احساس و این طلب به وجود آمده، اولین قدم اصولی که باید برداشته شود، برخورد آگاهانه و از سر تأمل با فلسفه

سیاست است. توجه به متن فرهنگی فلسفه غرب و اندیشه‌های برخاسته از آن نیز شرط هرگونه استنباط و اجتهاد و سپس تأسیسی براساس مبانی حکمت اسلامی است.

کتاب فلسفه سیاست با توجه به اعتبار نویسندگان مقالات آن و خبرگی مترجم در علوم و اندیشه‌های سیاسی و جدّیت و دقت نظری که در ترجمه بکار برده شده و به خصوص مساعدت چند تن از صاحب‌نظران و مترجمان برجسته، جای ویژه‌ای در بین کتب مشابه دارد.

علی اصغر مصلح

مناظر ایران هم اهمیت این عکس‌ها بسیار قابل توجه است. با سیری در فهرست دقیق و توضیحات آگاهانه مؤلف، مشخص می‌گردد که این کتاب زوایای بسیار تاریک و مبهمی از تاریخ قرن گذشته ایران را روشن ساخته و برای هر محقق و پژوهشگر، دری به سوی گذشته‌های دور ایران باز می‌گشاید و رجال، مناظر، فضاها و آثاری که اینک کوچکترین نشانی از آنها برجای نیست برای هر اهل تحقیق و صاحب ذوقی به صورتی مشخص و معرفی شده در می‌آید.



حج از نگاه حقوق بین‌الملل

نویسنده: استاد سید محمد خامنه‌ای
ناشر: سازمان انتشارات کیهان
پاییز ۱۳۷۱

مؤلف محترم در مقدمه کتاب نوشته‌اند که «انگیزه نخستین ما در این کار معرفی نهاد حج به آشنایان غیرمسلمان و جلب نگاه کارشناسان حقوق و روابط بین‌الملل به این نهاد کارساز و مفید بین‌المللی بوده است». سپس اهداف تألیف را به ترتیب زیر خلاصه کرده‌اند:

- ۱- آشنایی بیگانگان با ایدئولوژی حقوق و دیدگاه‌های اجتماعی اسلام و آشنایی با حج.
- ۲- آشناسازی بیشتر مسلمانان با حج و منافع آن.

قدیمی ایران از لحاظ تنوع و تعدد همچنان که در کتاب مشهور (انسیکلوپدی عکاسی) اشاره شده، یکی از گنجینه‌های قابل توجه و معتبر در جهان به شمار می‌رود.

عکاسی در ایران مانند همه کشورها با عکاسی آماتوری آغاز گشت ولی چنان گسترش سریعی یافت که به زودی رشته‌های مختلف عکاسی قدیم مانند عکاسی آتلیه‌ای در ایران به وجود آمد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این عکس‌های قدیمی که در زمان خود به قصد مستند تهیه نشده بود، امروزه به جهت اصالت و قدمت به عنوان مدارک مستند، اهمیت خاص تاریخی و هنری دارد.

کتاب عکس‌های قدیمی ایران که از جمله منابع مهم و بدیع در معرفی شناخت رجال، مناظر، بناها، اماکن و خصوصاً تهران قدیم به شمار می‌رود، امکانات دسترسی اهل دانش و تحقیق را به این نوع مدارک مستند میسر ساخته و از این راه خدمت بزرگی به تاریخ ایران انجام گرفته است.

چنانکه از فهرست و نمونه‌های متعدد عکس‌ها در نظر اول معلوم می‌گردد یکی از جوانب خاص در اهمیت این کتاب آن است که روشنگر فضاها و زوایایی از زیست جامعه ایرانی در قرن گذشته است. دوربین عکاسی به داخل اندرون رفته و خصوصی‌ترین عکس‌ها را از جوانب مختلف زندگی برداشته است. در عین حال از لحاظ تنوع عکس برداری از فضاها و

عکس‌های قدیمی ایران

رجال، مناظر، بناها و محیط اجتماعی

تألیف و تصحیح:

دکتر قاسم صافی گلپایگانی

ناشر: دانشگاه تهران

تابستان ۱۳۷۴، چاپ سوم

اهمیت عکس‌های تاریخی و اسناد مصوّر به عنوان یکی از مهمترین مدارک درباره تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی و حوزه‌های وابسته به این تبعات، چندی است توجه محققان و پژوهشگران ایران را به خود جلب کرده و این نوع اسناد که سابقاً بیشتر به منظور مصوّر ساختن کتاب‌ها بکار می‌رفت، امروزه موقعیت علمی خود را باز یافته است.

نکته قابل توجه در اسناد مصوّر تاریخ ایران در این است که کشور ما با آنکه خاستگاه هنر عکاسی نبوده ولی به سائقه قدرت جذب و اخذی که در روحیه فرهنگی ما وجود دارد، عکاسی بسیار زودتر از سایر کشورهای آسیایی در ایران رواج یافت و مورد اعتنای علاقه‌مندان قرار گرفت. به همین سبب گنجینه عکس‌های